

نیم‌نگاهی به کتاب:

کیف سرمایه‌گذاری

غلامرضا خاکی

مقدمه

مرکز آموزش مدیریت دولتی، متأسفانه در چرخشی که در ماموریت خود در دولت‌سازندگی داد بیشتر تبدیل به یک مرکز آموزشی شبه‌دانشگاهی شد. این مرکز به جای خلق سازوکارهای انگیزشی برای اهالی سازمان‌ها به مدرک‌گرایی روآورد و به سوی برآوردن حسرت مدیران مدرک‌نیافته میل پیدا کرد و جایی شد برای آن دسته از مدیران سطح عالی که نتوانسته بودند در قالب قراردادهای دانشگاهی مدرکی بگیرند. پیداست چنین کاری چگونه تمرکز این مرکز را از فضای اجرایی نظام اداری به سوی فعالیت‌های دانشگاهی به خود معطوف ساخت. این کار خلاف ماموریت مرکز نبود اما تفسیر گسترده و وسیعی از ماموریت آن بود با استقبال وسیع روبرو گردید زیرا هم نام تولید کرد و هم نان. اما راست آن است که باید این ماموریت مدرک‌دهی دوره‌ای شبیه دانشگاه از ماموریت این مرکز برداشته یا مسکوت می‌ماند زیرا فرصت‌سوزی برای آماده‌سازی مدیران در جهت ایجاد تحول در نظام اداری به‌دنبال داشت. در همین چارچوب انتشارات مرکز نیز بنگاهی شد بیشتر شبیه نشرهای دانشگاهی و بخش خصوصی در حوزه مدیریت نه تولید‌کننده مواد مهارتی متمرکز برای ایجاد تحول در نظام اداری.

نگاه اقتضایی مرکز آموزش مدیریت دولتی به ماموریتش

شواهدی در دست است که به نظر می رسد مدیریت جدید مرکز آموزش مدیریت دولتی نوعی توجه به ماموریت اصیل و متمایز اولیه این مرکز را جستجو می کند. هر چند این گرایش به نظر می رسد بیشتر صوری و موردی باشد و سند استراتژی روشنی نگارنده برای آن ندیده است تا بتوان داوری کرد که این مرکز در آن مسیر چگونه حرکت می کند، باری هر چه هست، این نشانه‌ها قابل تامل و ارزشمند است.

یکی از این نشانه‌ها گرایش یافتن مرکز به سوی تبیین و بسط بهره گیری از **تجربه‌گرایی سازمانی** است. در این راستا، به نظر می رسد سیاست‌های نشر مرکز نیز میل به دگرگونی یافته‌با شد حالا در چه جهتی، این پرسشی است که باید در جایی دیگر به چند و چون آن پرداخت.

کیف از کیف سرمایه‌گذاری

چندی پیش کتابی از انتشارات آن مرکز دیدم به نام: **کیف سرمایه‌گذاری** نام کتاب برایم پرسش برانگیز بود: مرکز آموزش مدیریت دولتی چه پیوندی با موضوع سرمایه‌گذاری دارد؟ در مطالعه کتاب دریافتم کتاب مدعی نوعی تجربه نگاری است. این کار برای بنده که باور دارد تئوری از عمل در مدیریت بر می آید و بر آن تقدم دارد جای خرسندی دارد. ۱.

۱ شاید بتوان گفت اصلی ترین دلیلی که تاکنون ایرانیان نتوانسته در قالب هایی که مانند مدیریت اسلامی / بومی / خودی / ایرانی... ادعا کردند حرف نوی بزند این است که عده ای فکر کردند و همچنان می کنند که باید مانند فیلسوفان عقل گرا جایی بنشینند و تئوری ببافند این در حالی است که باید در آنچه که بر پایه نظریه های دیگران در یک موقعیت انجام گرفته و می گیرد نظریه هایی را تبیین و استخراج کرد. آن هم نه نظریه جهانی فراگیر بلکه نظریه با ادعاهای خاص و محدود.

کتاب را بررسی کردم متوجه شدم که پیاده سازی سخنان استاندار هرمزگان است که فعالیت های مرتبط با رشد سرمایه گذاری در آن استان را روایت کرده است.

تاملات نقادانه

کتاب **کیف سرمایه گذاری** که پایان یافت دیدم چند نکته نقادانه در حاشیه آن آورده ام. به نظرم آمد آن تأملها ممکن است مفید باشد که در زیر آورده می شوند :

۱- نام کتاب با محتوای آن تناسب تام ندارد. محتوای کتاب گزارشی از نشست با حضور استاندار هرمزگان است که می توان آن را گزارش عملکرد استاندار دانست نه تشریح این که ایده کیف سرمایه خاستگاهش کجاست و چگونه در آن استان طراحی و به اجرا درآمد و نتایج حاصل از اجرای آن از نظر کمی و کیفی در یک بازه زمانی خاص چگونه بوده است.

۲- در مقدمه کتابچه آمده است: «اگر در شعار سال ۱۴۰۱ با دو گانه بهره‌وری و اشتغال مواجه بودیم که به طور مرسوم نمودشان در میدان عمل، تضاد است.»

معلوم نیست این حکم چگونه صادر شده است.؟ این شعار در صورتی درست است که بهره‌وری از طریق توسعه تکنولوژی حذف کننده منابع انسانی باشد، یعنی ماشین جایگزین انسان بشود که بیشتر در کارهای یدی و نیمه کارشناسی رخ می دهد، اگر از معادل گرفتن تکنولوژی و سخت افزار بگذریم باید گفت همه استراتژی های بهره‌وری این نیست. می توان حالت هایی را در نظر گرفت که با اشتغال جدید خطوط تولید کالا و خدماتی خلق می شود و بهره‌وری بالا می رود. این خطا از آنجاست که تصور می شود بهره‌وری فقط از طریق ظرفیت بلااستفاده حاصل می شود که

متاسفانه در برنامه های توسعه نیز هر ۵ سال یکبار بازتاب می یابد. این نگاه برآمده از نگاه کایزنی ژاپنی به بهره وری است که از طریق سازمان APO ترویج می شود.

- کتاب اشکالات ویرایشی دارد که دلایل گوناگونی دارد از جمله این به جای معادل کلمات انگلیسی، تلفظ آنها نوشته شده است. برای نمونه ص ۱۷، اورهال

۳- در ص ۱۸ در بند راهکارها برای جذب سرمایه گذاری معلوم نیست هر راهکار مستقل است یا نه راهکارها نوعی پیوند و توالی دارند؟

۴- نسبت بخش اول صفحات چکیده به بخش دوم نامعقول است یعنی ۱۵ صفحه چکیده برای ۲۵ صفحه. که در بسیاری موارد مطالب بخش اول چکیده تکرار مطالب بخش دوم است، بهتر بود این چکیده به یک سوم کاسته شود. (بماند که چکیده زیر نام بخش نمی تواند بیاید)

۵ با توجه به محدودیت تعداد حاضران، بهتر بود برای واقعی تر جلوه کردن. در ابتدای بخش سوم نام حاضران می آمد نه در پایان، و بیش از هر سوال نام پرسنده آن مطرح می شد.

۶- بهتر است به جای نویسنده از اصطلاح تدوینگر استفاده شود. چون سخنانی بدون هیچ نقد و نظری پیاده سازی شده است و بس.

سخن آخر

گزارش نشستهایی اینگونه، وقتی ارزش کتاب شدن دارند که مبانی نظری و اجرایی جامع و دقیقی برای مطالب مطروحه در آنها فراهم آید وگرنه بهتر است به روش های دیگری که کم هزینه تر باشند در اختیار علاقه مندان قرار گیرد زیرا نمی توان آنها را کتابهای

ماندگار نامید و حیف است که مرکز امکانات خود را اینگونه
اختصاص دهد.